



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



شهرویار بحرانی (فیلمساز)



پرویز شیخ طادی (فیلمساز)



نادر میربازلی (فیلمساز)



مرتضی شعبانی (استنداست)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی قلیه (بازیگر)



ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)



فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)



هادی محمدیان (یوتوبانگ)



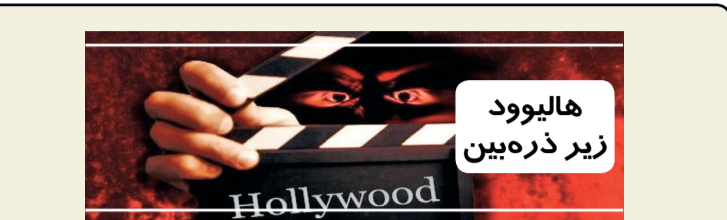
مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید اویینی (فیلمساز)



ناصر طالبیانزاده (کارگردان)



## نقش هالیوود در پشتیبانی اسرائیل

سینمای هالیوود در چهار محور سرزمین بدون ملت، ملت مظلوم یهود، اسلام‌ستیزی و صبح بودن انتقام یهود از مردم فلسطین، به پشتیبانی از کشور جعلی اسرائیل می‌پردازد. اسرائیل در کنار حملات نظامی علیه ملت مظلوم فلسطین، برای از بین بردن حمایت جهانی از فلسطین و همراه ساختن مردم دنیا با خود، آثار سینمایی گوناگونی را در سال‌های گذشته اکران کرده است تا مخاطب با تماشای این تولیدات، به سمت یهود متمایل شده و دست از حمایت مردم فلسطین بردارد. موسسهٔ رسانه‌ای استاد فرخ‌نژاد، نشستی را درخصوص «بازخوانی مسئلهٔ فلسطین در سینمای صهیونیستی» برگزار کرد. حجت‌الاسلام علی قهرمانی، استاد حوزه و دانشگاه در این نشست گفت: محور تولید انیمیشن‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی در برهه‌ای، عبارت «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» بود. با فراگیر شدن این محور، ذهنیتی برای مردم دنیا شکل می‌گیرد که یهودیان حق دارند مهاجرت کنند.

وی با بیان افسانهٔ بنی‌اسرائیلی سامسون و دلپله، اظهار داشت: یهود روایت دومی را برای ظلم خود به فلسطینی‌ها ایجاد کرد. آن‌ها با ساخت فیلم سینمایی سامسون و دلپله، این تصور را برای مخاطبین ایجاد کردند که مردم فلسطین در طول تاریخ به یهودیان ظلم کرده‌اند و اکنون این قوم مظلوم در حال انتقام گرفتن است. عوض کردن جای جلاو و شهید، تکنهای بود که رهبر انقلاب نیز در مورد آن تذکر داده بودند. از این فیلم چندین تله‌فیلم و بازسازی تولید شده است که جدیدترین نسخهٔ آن، مربوط به سال ۲۰۱۸ است. داستان سامسون در کتب انبیا ذکر و به عنوان اسطوره‌ای در تورات از او یاد شده است.

این پژوهشگر سینما با اشاره به سرگذشت بنی‌اسرائیل، بیان کرد: بنی‌اسرائیل در یک برهه با انبیا همراه بودند و با کفار می‌جنگیدند و در برهه‌ای دیگر، آموزه‌های وحیانی را با خرافات درآمیخته و خودشان به جبههٔ مقابل تبدیل شدند. با وجود این مطلب، یهودیان برخلاف واقعیت، خودشان را در این فیلم موحد و فلسطینی‌ها را تبارپرست معرفی می‌کنند.

حجت‌الاسلام قهرمانی در ادامه گفت: یهود برای فراگیر کردن روایت «ملت ظلم، ملت مظلوم»، سامسون و دلپله را به عنوان اولین فیلم، روی پردهٔ سینما به نمایش گذاشت.

باتوجه به نسخه‌های فراوان از این اسطوره، اگر بگوییم این داستان خطی روایی است، اغراق نکرده‌ایم. این مطلب، جریان رسانه‌ای را در طول تاریخ و به ویژه بعد از اشغال فلسطین شکل داده است. شاهد این مدعا، همزمانی ساخت اولین نسخهٔ فیلم سامسون و دلپله در سال ۱۹۴۹ با شروع کشتار فلسطینی‌هاست. یهود درصدد بود با ساخت این فیلم، علاوه‌بر ایجاد جریان رسانه‌ای، توجه مردم را از اتفاقات منطقه منحرف کنند. استاد حوزه و دانشگاه با تأکید بر این مطلب که یهود از هر اسطوره‌ای، آموزه‌ای را استخراج می‌کند، بیان داشت: یهود از داستان استر، مردخای و قتل عام ایرانی‌ها، این نکته را به یهودیان متذکر می‌شود که هر زمان قدرت پیدا کردی، از دشمنانت انتقام بگیر. این مسئله به عنوان یک پیش‌فرض است و از همین رو، یهودیان این واقعه را هرساله جشن می‌گیرند. انتقام از دشمن، آخرین راهبرد یهود بوده و این قوم حاضر هستند انتقام از دشمن را به بهای نابودی خودشان به دست بیاورند.

وی در ادامه، به بیان موج دوم روایت یهود پرداخته و گفت: موج دومی که از روایت «ملت ظلم، ملت مظلوم» منشعب می‌شود، ظلم‌هایی است که به یهودیان روا داشته شده است. حدود ۱۸ فیلم در این خصوص ساخته شده است که اروپا و آلمان، سازنده بیشتر این فیلم‌ها هستند. به عنوان نمونه می‌توان به فیلم ایکس من: آخرالزمان، اشاره کرد. یهود در موج دوم، با ساخت فیلم‌هایی مانند «فهرست شیندلر» و «زندگی زیباست»، به مظلوم‌نمایی در مسئله هولوکاست پرداخت.

حجت‌الاسلام قهرمانی با اشاره به اینکه بعضی از این فیلم‌ها سود مالی ندارد، اظهار داشت: بعضی از این فیلم‌ها در گیشهٔ فروش شکست خورده است. با این حال پایگاه

IMDB با پرداخت هزینه، باعث می‌شود تا این تولیدات در مراکز اصلی نقد فیلم مانند «هالیوود ریپورتر» دیده شوند.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: یهود در موج سوم، در پی هیولاسازی از مسلمانان است. این موج در معنای عام به دنبال اسلام‌ستیزی و تفهیم خطرناک بودن مسلمانان برای تمام مردم دنیا و در معنای خاص در پی تبیین خطر مسلمانان برای پیروان دین یهود است. «جنگ جهانی زده»، از جمله فیلم‌های مشهور این موج است.



در این فیلم زامبی‌ها مانند مسلمانان از دیوار عظیم دور اسرائیل بالا می‌روند و قهرمان داستان از بالگرد به آن‌ها تیراندازی می‌کند. یهود این صحنه را برای مخاطب به‌گونه‌ای به تصویر کشیده است که بیننده به قاتل حق داده و با او همذات‌پنداری کند. وی با اشاره به فیلم «هابیت» بیان کرد: در این فیلم سرزمینی به نام موردور وجود دارد که معادل آن در زبان فارسی، قاتل است. یهود در طی به تصویر کشیدن این فیلم، فلسطین، عربستان و منطقه غرب آسیا را به عنوان سرزمین قاتل‌ها معرفی می‌کنند. آن‌ها در فیلم ارباب قلعه‌ها نیز فلسطین را دشمن حق معرفی کرده و با شیوه ساختن شخصیت سارومان به شیخ احمد یاسین، بنیانگذار شهید حماس، به این مطلب اشاره کرده‌اند. اگر هنوز به تطبیق آن سرزمین سیاه با فلسطین نرسیده‌اید، توجه به شباهت سارومان با رهبر حماس، صحت این مطلب را برای شما روشن می‌کند.

این پژوهشگر سینما ضمن بیان طیف چهارم فیلم‌های هالیوود گفت: یهود در موج چهارم به مخاطب می‌فهماند که دورهٔ انتقام گرفتن از دشمنان فرا رسیده است. آن‌ها برای تبیین این مسئله به مردم جهان، گاهی سراغ سوزه‌های واقعی نیز رفته‌اند. «مونیخ» و «هفت روز در انتبه»، دلیلی بر وجود این سسری فیلم‌ها در فضای هالیوود است. فیلم «مونیخ» که در سال ۲۰۰۵ به تولید رسید، به اسیر شدن گروهی از یهودیان به دست فلسطینی‌ها می‌پردازد.

وی با بیان فیلم‌هایی خارج از این چهار طیف بیان داشت: در تمام فیلم‌های مذکور یا بازنمایی مثبت از اسرائیل و یا بازنمایی منفی از فلسطین وجود دارد. با این حال، فیلم‌هایی مانند «ماتریکس» در هیچ کدام از این طیف‌ها جای نمی‌گیرد. در این فیلم، انسان‌های واقعی که در حال مبارزه با ماشین‌ها هستند، در سرزمین زایون زندگی می‌کنند و باتوجه به قرآن موجود، منظور یهود از این سرزمین، همان صهیون است. حجت‌الاسلام قهرمانی در پایان بحث با اشاره به وظیفهٔ مسلمانان درخصوص مردم فلسطین، خاطرنشان کرد: تنها فیلم‌های قدرتمند و مؤثری که درمورد مردم فلسطین ساخته شده است، سریال بازمانده و فیلم سینمایی «چشمان آبی زهرا» است. بنده به جرئت می‌توان بگویم که با هر دو فیلم اشک ریخته‌ام. قوت جمهوری اسلامی و جبههٔ مقاومت باعث شده است که چهره‌های مطرح دشمن پای کار بایانند.

۱۴ سال پیش بود که شبکه تلویزیونی «من‌وتو» در لندن با پخش جهانی پا گرفت. مخاطب اصلی شبکه؛ همه ستین اما از حیث فکری و فرهنگی فرودست جامعه ایرانی، هدف‌گذاری شد. رویه شبکه، صرفا سرگرم‌کنندگی و دوری از ظواهر و شعار سیاسی نشان می‌داد و تبلیغ می‌شد.

انتخاب و نمایش مستندهای عوام‌پسندانه و تهیه رونوشت و سرقت طرح برنامه موفق خارجی با حمایت گروه‌های حرفه‌ای برنامه‌ساز انگلیسی و نیز بهره‌گیری از تجربیات برنامه‌سازی دیگر شبکه‌های فارسی‌زبان منجر به دیده شدن شبکه از سوی طیفی از مخاطبان هدف گردید.

پیشینه صاحبان و مدیران ظاهری و برخی کارکنان و مجریان بهائی شبکه، نوع عملکرد اتاق خبر (انتخاب اخبار منفی و سیاه و دروغ‌بافی و مشروع جلوه دادن عملکرد دشمنان ایران و ایرانیان)، صرف هزینه‌های بسیار کلان برای ساخت برنامه‌ها، تأکید بر ابتدال محصولات و اصرار بر ترویج سبک زندگی غربی و فعالیت در لندن یعنی در مرکز دولتی معاند با ملت ایران، به

روشنی از ماهیت و اهداف سیاسی و ضداسلامی و ضدایرانی من‌وتو حکایت می‌کرد. در واقع، شبکه یادشده پا گرفته بود تا ناکارآمدی مجموعه‌ای

**چه من‌وتو تعطیل شود و چه نشود، چه حامی مالی دست و پا شود و چه نه، یک واقعیت قابل کتمان نیست و آن اینکه، ادامه فعالیت من‌وتو به دلیل نداشتن مخاطب کلان و از این حیث تبدیل آن به دیگر شبکه‌های فارسی‌زبان معاند و کاباره‌ای، در مسیر تقابل با جمهوری اسلامی «آب در هاون کوبیدن» است.**

سابقهٔ ذهنی از ملودرام‌های اولیه منوچهر هادی و به خصوص فیلم‌هایی مثل «بکی می‌خواد باهات حرف بزنه» و «زندگی جای دیگری است» و حتی تجربه متأخری مثل «کارگر سواده نیازمندیم» با مایه‌های جنایی، این حس را پیش رو می‌گذارد که دل کندن از سینمای کمدی و بازگشت به ملودرام، شاید نتوانسته باشد او را به تنظیمات کارخانه برگردانده و باز خلوص نیت همان جوان فیلمسازی را شاهد باشیم که حدود ده پانزده سال قبل «قرنطینه» و «بکی میخواد باهات حرف بزنه» را ساخته بود.



در این میان قرارگیری دوباره منوچهر هادی و سعید دولتخانی- نویسنده دو فیلم ابتدائی هادی- کنار هم در فیلم «حدود هشت صبح» این نوید را می‌دهد که یک ملودرام سشنسته رفته را شاهد خواهیم بود. با این حال «حدود هشت صبح» که فیلمی مطول و پرگو هم هست فقط می‌تواند شیخی باشد از آن ملودرام‌های صادقانه سال‌های قبل هادی.

از همان موثیف فیلمفارسی‌گونه ابتدائی معلوم است که نه نویسنده و نه کارگردان به دنبال پیومدن مسیری تازه در کارنامه خود نبوده‌اند

مجموعه امنیتی- جاسوسی«محرمانه» که شب‌های پاییز امسال میهمان خانه‌های مردم از طریق شبکهٔ سه رسانه ملی بود بسا فراز و نشیب‌های فراوان در سکانس‌های آخر به پایان رسید. بخش‌های پایانی این مجموعه اگرچه همراه با ابهامات و عدم ارتباط‌گیری درست مخاطبان بود اما در پرده آخر، صحنه‌هایی از تعقیب و گریز عوامل نفوذی و جاسوسی که در بخش‌های مختلف دولتی به‌ویژه بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رخنه کرده بودند از نمایی نزدیک‌تر و ملموس‌تر به تصویر کشیده شد.

در دوران سخت شیوع بیماری کرونا در کشورمان، مردم ما به دلیل تحریم‌های دارویی آماج سختی‌ها و رنج‌های فراوان شدند. لذا برخی از پزشکان و دانشمندان انقلابی، مؤمن و متعهد کشورمان و نیز برخی از مؤسسات و نهادهای انقلابی استین همت با بالا زدن و با مستند و تلاش شایه‌روزی موفق به ساخت واکسن کرونای ایرانی شدند تا توانستیم فضای کشور را آرام نگه داریم و میزان مرگ و میر را کاهش دهیم. در واقع مجموعه «محرمانه» روایت تلخ و شیرین تلاش‌ها و زحمات دانشمندان و پزشکان جوان و انقلابی کشورمان است که علی‌رغم همه مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و تکنیکی موفق به تولید واکسن ایرانی کرونا شدند. این در حالی است که تولید واکسن کرونا در کشورمان، از ابتدای دهه ۱۳۸۰ و زحمات و تلاش‌ها و ابتکارات علمی و فنی و تخصصی، سید رحیم نوروزی، رضا توکلی، فریبا متخصص، سید مهرداد ضیایی، آرش آصفی، نیما گرمی، کمند و سپند امیرسلیمانی، سلولماز حصاری و… در کنار برخی از چهره‌های جوان در این مجموعه طراوت خاصی را به آن بخشید. اگرچه «محرمانه» به عنوان

# سلسله

بزمآن کریمی

# شبکه‌ای در پایان راه!

شتاب بیشتری گرفت که در جریان فریتان ۱۴۰۱ شبکه به حمایت از اراند و ابواب و گروهک‌های تجزیه‌طلب پرداخت و قاتلین و دزدان و جاقچیان و جواسیس را به عنوان «مردم» و «میهن‌دوست» و «شیفته مردم» معرفی کرد.

ریش کلان مخاطب و بی‌اعتباری و شکست قامت اعتماد مخاطب به من‌وتو، شبکه را در کنار شبکه‌های استرون بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا و کانال جدید و… نشانسد. چنین بود که مدیر ظاهری من‌وتو با انتشار اطلاعیه‌ای از تعطیل شدن این شبکه به‌دلیل مشکلات مالی خبر داد. در این‌باره باید گفت:

این تشکیک زیر سؤال می‌رود و مخاطب می‌فهمد، کل ماجرا، فقط برای ایجاد انحراف ذهنی اوست پس چرا فیلمساز تا نیمه بر این ایده اصرار می‌ورزد؟ روزبه روز رینگا فیلمبردار با ذوقی است که خیلی خوب می‌خواهد لایق در نماهای بیرونی، هارمونی زندگی در خیابان‌های تهران افسارگسیخته را بازتاب داد ولی مشکل تفکر سازنده است که فیلم را در حد تله‌فیلم دیده با سریالی پلنفرمی و سخت می‌شود در کل فیلم یک پلان با دکوپاژ سینمایی دیدا البته اگر بپذیریم که سینما چیزی جز تصویربرداری زیر باران‌های مصنوعی و انعکاس

نگاهی به فیلم «حدود هشت صبح»

# فقط حدود نیم ساعت…

حامد مظفری

حذف منوچهر هادی-به عنوان بازیگر- از فیلم در حدود دقیقه ۲۰ باعث می‌شود فیلم قدری -فقط قدری- روان‌تر شود ولی مشکل پیرنگ اصلی اثر است که خیلی زود لو می‌رود و حرف و حرف و حرف و گاهی تکرار مکررات و حرف‌های زده را تکرار کردن است که فیلم را مبتلا می‌کند و به جای چیدنمان مناسب برای حل معمای قتل پیش آمده، نویسنده بیش از حد تأکید می‌کند بر رابطه با زن شوهردار؟ چرا؟ این‌جا چا را با «جیم» اشتباه گرفته است؟ این همه ایده روز برای فیلمسازی هست، پس چرا جم بازی؟ بماند که اساسا از همان ابتدای داستان پایه

## نگاهی دیگر به مجموعه «محرمانه» | پایان سیاه جاسوسان

رسول شمالی روزنده

یکی از اهداف تولید مجموعه «محرمانه» در واقع پرداختن به مسائل حاشیهای امنیتی و اطلاعاتی است بود که عوامل تولید این مجموعه به‌خوبی توانستند با بررسی پرونده‌های واقعی، اتفاقاتی را که در دوران اوج شیوع بیماری کرونا در کشورمان رخ داده، به یک فیلمنامه تبدیل کنند.

حضور مجید مظفری، علیرام نورایی، ایرج نودری، فرهاد قائمیان، لاله اسکندری، جعفر دهقان، رحیم نوروزی، رضا توکلی، فریبا متخصص، سید مهرداد ضیایی، آرش آصفی، نیما گرمی، کمند و سپند امیرسلیمانی، سلولماز حصاری و… در کنار برخی از چهره‌های جوان در این مجموعه طراوت خاصی را به آن بخشید. اگرچه «محرمانه» به عنوان



صفحه ۸

شنبه ۴ آذر ۱۴۰۲

۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۴۵۳



یک- برخی تحلیل‌گبران برآنند که اعلام تعطیل شدن قریب‌الوقوع شبکه صرفا حرکتی برای جلب حامی مالی جدید از یک‌سو و مستقل معرفی کردن شبکه‌ای است که به‌دلیل حمایت اجنبی، جایگاه خود را نزد مخاطبان از دست داده است. این احتمال زمانی تقویت می‌شود که به یاد آوریم شبکه تنها احتمال تعطیل شدن داده است!

دو- برخی نیز تأکید دارند به‌دلیل سترونی و بی‌اعتباری، حامی مالی که قطعا یک «دولت» است و نه یک «شخص» یا «گروه» یا «حزب» یا «شرکت تجاری و صنعتی» انگیزه‌ای برای ادامه حمایت مالی و هزینه بی‌فایده ندارد. اگر هم حامی هدف نظر، رژیم صهیونیستی است، علاوه‌بر نداشتن انگیزه و نبود توجهی سیاسی و اقتصادی، کمبود بودجه این رژیم به‌دلیل درگیری با حماس، در ترک و دفع من‌وتو دخالت دارد.

نشود، چه حامی مالی دست‌وپا شود و چه نه، یک واقعیت قابل کتمان نیست و آن اینکه، ادامه فعالیت من‌وتو به‌دلیل نداشتن مخاطب کلان و از ایسن حیث تبدیل آن به دیگر شبکه‌های فارسی‌زبان معاند و کاباره‌ای، در مسیر تقابل با جمهوری اسلامی «آب در هاون کوبیدن» است. وجود و ادامه کار چنین شبکه‌هایی بی‌تردید مصداق بارز شکست رسانه‌ای و سیاسی و امنیتی در برابر مردم ایران محسوب می‌شود. از این‌رو تعطیل شدن این شبکه منجر به حذف مصداق عیان شکست است و برای معاندان کاری عقلائی به حساب می‌آید!

زمستان است و با پالتو در حال لبو و باقالی خوردن و صبح روز بعد، تابستان زیر پنکه‌ای کاش لاقال زیر نویس می‌گردند سه ماه بعد که این گاف‌ها گل درشت نشود.

منوچهر هادی بعد از حاشیه‌های پیش آمده بر سر اکران فیلم کمدی «رحمان ۸۱۰۰» به سراغ «حدود ساعت ۸صبح» رفت تا شاید بتواند از همه آن انتقادات وارده به سطحی‌نگری کمدی‌هایش رهایی یابد و منصفانه بخواهم قضاوت کنیم طرح اولیه «حدود ساعت ۸صبح» هم طرح بدی نبوده با حدود نیم‌ساعت کشفان داستانی ولی مشکل نگاه خام نویسنده بوده که شاید گمان کرده همچنان مثل یک دهه و نیم پیش و زمان «قرنطینه» می‌توان با دیالوگ و حرف و حرف و حرف، مخاطب جلب کرد. نتیجه آن که مشکل، صرف کمدی‌سازی نیست بلکه مشکل فقدان جهان‌بینی در کارگردانی است که ملودرام را هم در سطح آثار سینمای فارسی جلوه داده با انبوه تضادف و تضادف و آن گره‌گشایی ناگهانی برای جمع کردن و تازه بعد از گره‌گشایی، بیخود داستان را ادامه می‌دهد و ادامه می‌دهد تا برای جمع کردن مجبور شود دو نفر دیگران هم بکشد تا بشود فیلمی با سه مقول! منوچهر هادی کارگردان بدی نبوده و نیست و اتفاقا به نسبت برخی از فیلمسازان و سریال‌سازان قله‌ای این سال‌ها که بسنجیم خیلی خوب دریافته چگونه داستان‌های عامه‌پسند را به فیلم‌هایی برای عوام بدل کنند و در عین حال جزو معدود فیلمسازانی است که حتی انتقادات را نیز در صحنه اجتماعی خود نسزم می‌دهد ولی هادی نیاز دارد برای حفظ خاطرات خوب از کارنامه قبلی‌اش هم که شده قدری با دقت و وسواس بیشتری کار کند و در عین حال مشاوران امنیتی را کنار خود به‌خصوص برای ارزیابی کیفیت فیلمنامه داشته باشدد و همچنان مثل سال‌های دور با تهیه‌کننده‌های حرفه‌ای کار کند و خود فقط بر کارگردانی تمرکز نماید.

دلدادگی آقای دکتر فرهمند و خانم دکتر حکیم‌اوا قرار گرفته و آن را در ذهن خود مرور کرده و سرانجام خوشی را پیش‌بینی می‌کردند اما تصویر سکانس آخر این دو غیر از این را نشان داد و یک خداحافظی تلخ و پرواز خانم دکتر حکیم‌اوا به خارج و این سوی داستان آه، حسرت دوری و از دست دادن عشق از طرف دکتر فرهمند که با اشک‌ها پیوند می‌خورد، اما معظمسی در کنار این عواطف انسانی و عاشقانه نگاه عمیقی هم به عمق ماجرای «محرمانه» دارد و آن هم یک تعقیب و گریز جانانه و اتفاق بسیار عجیبی که در راستای این تعقیب و گریز می‌افتد و جاسوس‌های که در حال فرار است و البته او مهرهای است که علی‌رغم دسترسی نیروهای

مجموعه‌های دیگری که با موضوع کرونا در رسانه ملی تولید شده‌اند پربازدید، مجموعه «محرمانه» شخص‌ترین آنهاست، چراکه این مجموعه در عین حالی که به اصل موضوع به‌طور تخصصی پرداخته از سوی دیگر نیز در این مجموعه تلاش شد که سراغ فضای حاشیه‌ای و امنیتی- سیاسی آن هم رفته و دلایل تحریم‌ها را هم که از طرف استکبار جهانی بخصوص آمریکا علیه مردم ما در قالب داستانی واقعی به تصویر درآورده شود. به هرحال مجموعه امنیتی- جاسوسی «محرمانه» در سکانس پایانی خود درصدد بود که مخاطب از چند زاویه به نتیجه‌گیری برسد، شاید خیلی از بیننده‌های این مجموعه از ابتدای قصه در فضای ماجرای عشقی و

یکی از اهداف تولید مجموعه «محرمانه» در واقع پرداختن به مسائل حاشیه‌ای امنیتی و اطلاعاتی آن بود که عوامل تولید این مجموعه به‌خوبی توانستند با بررسی پرونده‌های واقعی، اتفاقاتی را که در دوران اوج شیوع بیماری کرونا در کشورمان رخ داد، به یک فیلمنامه تبدیل کنند.

امنیتی به وی، به‌گونه‌ای مسیر خروج‌اش از کشور فراهم می‌شود تا ماموران امنیتی ما از طریق او و در خارج از کشور به سرشاخت‌های اصلی نفوذ و جاسوان در کشور دسترسی پیدا کنند.

به‌هرحال به‌نظر می‌رسد که مجموعه «محرمانه» به فصل دوم هم کشیده شود و این قصه ادامه خواهد داشت و آنچه مشخص است نوشتن و تهیه فیلمنامه‌ای برای فصل دوم این مجموعه است که به احتمال فراوان در دستور کار عوامل تولید این مجموعه قرار خواهد گرفت. بایستی منتظر ماند و دید که تولید فصل بعدی مجموعه «محرمانه» چگونه در دستور کار قرار خواهد گرفت، چراکه قسمت پایانی و سکانس‌های نهائی این مجموعه پیام خاصی را برای مخاطبان داشت و آن هم انتظار

برای ادامه قصه است.